

رهیافتی بر ابعاد چگونگی مطالعه مدل «نظام‌پردازی قرآنی» در گفتمان آینده‌پژوهی اسلامی

حسین جدی^۱، محمدحسین نوروزی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳

چکیده

به رغم آنکه در دو دهه گذشته، آثار ارزشمندی در نسبت با جریان علوم انسانی اسلامی، خاصه حوزه «آینده‌پژوهی اسلامی» شکل گرفته است؛ اما مهم‌ترین خلأ روش‌شناختی و معرفت‌شناختی آن، انگاره تک‌بعدی به ابعاد نظری و اجرایی گزاره‌های اسلامی است. با این حال، این مقاله از رهگذر اتخاذ رویکرد تحلیلی-توصیفی، مبتنی بر گردآوری داده‌های کیفی، مدل جامع پیشنهادی را تحت عنوان «نظام‌پردازی قرآنی» در گفتمان آینده‌پژوهی اسلامی ارائه می‌کند. طرح کلانی که در درون خود از سه شعبه متمایز به‌لحاظ مفهومی، اما کاملاً مرتبط به‌لحاظ کاربردی سامان یافته است. «نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی»، «نظام‌سازی آینده‌پژوهی اسلامی» و «نظام‌گذاری آینده‌پژوهی اسلامی»؛ ساحت‌هایی که به‌لحاظ تحقق وجودی، هریک بر دیگری مترتب هستند. ساحت یکم آن، به عرصه مفهومی و ابعاد نظری بازمی‌گردد و قلمرو دوم آن، راجع به عرصه الگو و الگوسازی سخن می‌گوید؛ اما حیظه سوم، در مقام عینیت‌بخشی نظام آینده‌پژوهی اسلامی است. دو ساحت ابتدایی، برعهده نخبگان دانشگاهی و عالمان دین‌شناس است؛ ولی حیظه سوم از عهده متولیان اجرایی و نهادهای وابسته به قدرت و حکومت برمی‌آید. برای شکل‌گیری «نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی»، کم‌وکیف اعتبار و سازوکارهای بهره‌جویی از «منابع معرفتی اسلام»، نقش به‌سزایی در چگونگی دستاوردهای آینده‌پژوهان مسلمان ایفا می‌کند. لذا این منابع معرفتی را بایستی در «بهره‌جویی حداکثری از منابع نقلی»، «بهره‌جویی از گزاره‌های عقلی-اجتهادی» و «بهره‌گیری از فناوری دینی به صورت نظام‌مند» بازجست.

کلیدواژه‌ها: نظام، نظام‌پردازی، آینده‌پژوهی، نظام آینده‌پژوهی اسلامی، خرده نظام‌های اسلامی.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) jeddi.hossein@mail.um.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه مفید، قم، ایران mh.nourozi@gmail.com

مقدمه

حرکت به‌سوی تولید دانش بومی، به‌ویژه شکل‌گیری «آینده‌پژوهی اسلامی» یک ضرورت و جریان پیوسته در دنیای امروز به‌شمار می‌آید. امری که رفته‌رفته نیازمند حضور فراگیر و فعالِ نخبگان علمی و توسعه پژوهش‌های کمی و کیفی، گسترش تولید ادبیات، بسط نظریه‌پردازی و الگوسازی پیرامون «نظام آینده‌پژوهی اسلامی» است. دستیابی به چنین چشم‌انداز و افق آرمانی، نه تنها تدریجی و زمان‌بر است، بلکه برنامه‌ریزی‌های علمی و به‌کارگیری شبکه‌ای از نیروهای فکری و اجرایی را توأمان می‌طلبد. در دو دهه گذشته، گام‌های مثبتی را پیرامون اصل «امکان» و «چگونگی» پیدایش نسخه «آینده‌پژوهی اسلامی»، شاهد هستیم. اما مهم‌ترین خلأ معرفت‌شناختی یا روش‌شناختی در پازل معرفتی آن، انگاره تک‌بعدی نسبت به چگونگی ساحت نظری و اجرایی آن است. احساس وجود خلأ یا حلقه مفقوده‌ای که در مطالعات بینارشته‌ای با محوریت آموزه‌های اسلامی، خواه‌ناخواه اذهان آینده‌پژوهان را به‌سوی اتخاذ رویکرد «جامع‌نگر^۱ یا نگرش «سیستمی - شبکه‌ای^۲ می‌برد. کاربرد «نظریه سیستم‌ها»^۳، امروزه یک حوزه علمی «فرارشته‌ای»^۴ یا «میان‌رشته‌ای»^۵ تلقی می‌شود که در قامت «روش»^۶ و «رویکرد»^۷ در علوم انسانی، تجربی، آموزشی، زیستی، شناختی و مدیریتی، قابل‌پی‌جویی است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۹-۱۲۸). از این‌رو، به‌نظر می‌رسد که هم در ساحت «نظری» و هم در مقام «عملی»، به‌کارگیری نگرش «سیستمی - شبکه‌ای» یا «نظام‌واره‌ای» به آینده‌پژوهی اسلامی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

ناگفته نماند، در نهضت علوم انسانی اسلامی و تولید دانش بومی آینده‌پژوهی اسلامی، یکی از محدود حوزه‌هایی است که در هیئتی تقریباً منسجم دربردارنده ارکان و مقومات علم‌شناختی مبتنی بر سنجه‌های علم‌شناسی هم در رویکردهای نوین و هم در رویکردهای کلاسیک (علم‌شناسی منطقی، علم‌شناسی

-
1. Wholism -Holistic
 2. System-network
 3. Theory systems
 4. Transdisciplinarity
 5. Interdisciplinarity
 6. Method
 7. Approach

مبتنی بر رئوس ثمانیه) است. به‌گونه‌ای که هرکدام ناظر به ساحت‌های متفاوتی از این پازل معرفتی ایفای نقش می‌کنند. برخی ناظر بر اصول عامه آینده‌پژوهی اسلامی (مبادی تصدیقی)، برخی اصول خاص (اصول موضوعه)، برخی الگوها، روش‌ها و فرایندها و برخی روش‌شناسی را مورد کنکاش قرار می‌دهند و هریک ناظر به بخشی از لایه‌های نظام علم‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی هستند. با این‌همه، برای بهبود وضعیت روند ایضاح ابعاد معرفتی و حلقه‌های واصل‌گذار از ابعاد نظری به مقام اجرایی آن، نیازمند تولید ادبیات بیشتری از سوی محققان مسلمان هستیم. باری، به‌نظر می‌رسد، این روند را بایستی در ارائه الگوی جامعی تحت عنوان «نظام‌پردازی در آینده‌پژوهی اسلامی» بازجویم. بسته کلانی که در درون خود، از سه ساحت متمایز به‌لحاظ مفهومی و مرتبط به‌لحاظ کاربردی یعنی «نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی»، «نظام‌سازی آینده‌پژوهی اسلامی» و «نظام‌گذاری آینده‌پژوهی اسلامی» سامان می‌یابد. لذا این پژوهش، به‌مثابه درامدی بر امکان و توانمندی «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی است که رفته‌رفته، زمینه و فضای روشنگرانه‌ای را فراروی آینده‌پژوهان مسلمان قرار می‌دهد. دستیابی به این مهم، از رهگذر اتخاذ رویکرد تحلیلی-توصیفی در گردآوری داده‌ها، به‌دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱. ضرورت کاربست «نظام‌پردازی» در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی چیست؟ ۲. ابعاد و فرایند «نظام‌پردازی» در مطالعات آینده‌پژوهی چگونه است؟ ۳. منابع معرفتی «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی کدامند؟ این پژوهش که جزو پژوهش‌های بنیادی به‌شمار می‌آید با عطف توجه به مطالعه و رجوع به منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی انجام شده است. بی‌شک، جامعه پژوهش در این سطح، جستجو و مطالعه تمامی کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مرتبط با این حوزه مطالعاتی است.

مبانی نظری

پیشینه

به‌رغم کوشش‌های فراوانی که آینده‌پژوهان مسلمان پیرامون «آینده‌پژوهی اسلامی»، انجام داده‌اند، اما شاهد ادبیات ضعیفی در این حوزه مطالعاتی هستیم. تنها اثری که به‌صورت غیرمستقیم، در حدواندازه کاربست واژگانی (نه بازکاوی مفهومی، الزامات، مؤلفه‌ها و ابعاد به‌کارگیری) پیرامون «نظام‌اندیشی در آینده‌پژوهی» سخنان درخور توجهی را به‌میان آورده، اثر پدرام و عیوضی در کتاب «درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی» است. نویسندگان، در فصل ششم این کتاب، بحثی را تحت عنوان «نظام‌نگرش - آینده‌پژوهی» مطرح می‌کنند. این نظام، بستری است تا با نگاهی کلان، ابعاد اجرایی و نظری آینده‌پژوهی را به‌مثابه یک کل درهم‌تنیده تحلیل کند. بر این پایه، نظام

«نگرش - آینده‌پژوهی» از سه بخش اصلی «آینده‌پژوهی» (فرایندها و پروژه‌های کاربردی)، «آینده‌اندیشی» (چارچوبی برای تفکر درباره آینده و انگیزش و راهبری تغییر آینده) و «نگرش حاکم بر جامعه» (جهان‌بینی، گفتمان و آموزه‌های کلی) تشکیل شده است (پدرام، عیوضی، ۱۳۹۵، صص ۱۲۷-۱۲۵)؛ یا کتاب «درآمدی بر آینده‌اندیشی قرآنی: باورهای بنیادین، الگوهای رفتاری و رهنمودهای پژوهشی» (ذوالفقارزاده و احمدیان، ۱۳۹۸) و مقاله «سنت‌پژوهی: رویکردی نوین در آینده‌پژوهی با تأکید بر نظام سنت رزق» (افضلی و رضاییگی، ۱۳۹۹) و رساله دکتری «مبانی روش‌شناسی آینده‌پژوهی در قرآن»، (خزائی، ۱۳۹۳) نیز، در این زمینه به‌رشته تحریر درآمده‌اند که هریک ناظر بر برخی مقومات و ارکان علم‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی است.

گرچه، مؤلفان محترم، گام‌های مثبتی را به‌منظور تحلیل لایه‌های معرفتی در حوزه جهان‌بینی، نظام دانایی، روش‌ها، الگوها و فرایندهای تحقق در ارتباط با آینده‌پژوهی اسلامی، برداشته‌اند اما دستیابی به «نسخه آینده‌پژوهی اسلامی»، خواه‌ناخواه دو چهره اساسی دارد: ۱. مسبوق به تصویری مناسب و جامع نسبت به بنیان‌های معرفت‌دینی است (به‌لحاظ نظری و اندیشه‌ای)؛ ۲. معطوف به کنش و رفتار اجتماعی و چگونگی اجرای آن است (به‌لحاظ رفتاری و عملیاتی). اما آنچه در این میان، نقش اساسی را برعهده دارد، فرایند و چگونگی دستیابی و گذار از «مرحله نظری» به «مقام عملی» است. با توجه به سطوح و گستردگی آموزه‌های اسلامی از یک‌سو، درهم تنیدگی و به‌هم‌پیوستگی «گزاره‌های نظری و عملی آن» از سویی دیگر، ضرورت ارائه طرحی جامع، تحت عنوان «نظام‌پردازی در آینده‌پژوهی اسلامی» را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. از این‌رو، برای آنکه تصویری مناسب پیرامون کاربرست «نظام‌پردازی» ارائه شود، درگام نخست به بازکاوی مفهوم «نظام» می‌پردازیم.

چارچوب نظری

کاربست «نظام» از جمله مفاهیم دوشمول است که با پاره‌ای دیگر از واژگان نظیر «سیستم» و «شبه‌که» سخنی هم‌آوا دارد. متفکران مسلمان معاصر، آن‌سان که از ساختار و پیکره کلی پدیده‌ای، سخن می‌گویند، نوعاً از کاربرست «نظام» بهره‌جسته‌اند، اما در مقابل، اندیشه‌وران غربی، مفهوم «سیستم» را در افق اندیشه خود، به‌کار برده‌اند (Bertalanffy, 1994, p.15). برای روشن شدن این مطلب به بازکاوی مفهومی و وجه تمایز آن‌ها از هم می‌پردازیم.

معنای لغوی نظام

واژه «نظام» از ریشه «نظم» مشتق شده و به معنای «تألیف و ایجاد الفت میان چند چیز» یا «پیوند دادن دانه‌های تسبیح به یکدیگر» است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۴). زمانی که این دانه‌ها به یکدیگر پیوند زده شوند، به مجموعه آن‌ها یا به نخ‌هایی که با آن، دانه‌های مروارید را به هم پیوند می‌زنند «نظام» می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۴، ص ۲۸۰ و ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۴۴). تعبیر «نظمت اللؤلؤ فی سلک» به معنای این است که مرواریدها را در مجموعه‌ای واحد گردآوری کرد (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۰۴). بنابراین به امری که طریق و پیوندی میان اعضایش نباشد و طریقه و محور درستی نیز نداشته باشد، «نظام» گفته نمی‌شود (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۴، ص ۲۸۰). به عبارتی، آن نخ و ریسمانی که موجب ایجاد پیوند میان اجزای یک مجموعه شود را «نظم» و به رشته درآوردن و همراه نمودن دانه‌های تسبیح، یا هر چیز دیگری که دارای هویتی این‌گونه باشد را «انتظام» (معادل باب «افتعال» به معنای نظم‌پذیری است) گویند؛ درنهایت به خروجی که از این ساختار حاصل می‌شود، واژه «نظام» قابل اطلاق است. لذا در کاربست لغوی مفهوم «نظام» علاوه بر مجموعه‌ای مرتبط، «محور پیوند نظام» نیز، از نقشی بنیادینی برخوردار است.

معنای کاربردی نظام

اندیشمندان مسلمان نیز، درخصوص مفهوم «نظام» دیدگاه‌های گوناگونی را بیان نموده‌اند: شهید صدر بر این باور است «مکتب (نظام) اجتماعی اسلام، منظومه‌ای است که زیربنای آن را احکام اجتماعی تشکیل می‌دهد؛ غیر از این احکام، لایه‌های دیگری از نظریات و قواعد عمومی قابل استناد به شریعت وجود دارند که دارای نظم و نسق و انتظام خاصی بوده و به مثابه قطعات یک پازل به شمار می‌روند؛ به گونه‌ای که یک «کل» و یک بسته پیشنهادی را در عرصه سیاست، فرهنگ و... را شکل می‌دهند و با سایر نظام‌های اجتماعی اسلام نیز ارتباط برقرار می‌کنند» (صدر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۵۴). بعضی دیگر، سیستم یا نظام را مجموعه‌ای از عناصر مرتبط به هم دانسته که برای تحقق یک هدف در تلاشند. در هر سیستم، تغییر هر جزء بر دیگر اجزا و بر کل، تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر، اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند (واسطی، ۱۳۹۱، ص ۸۳). در تعریف دیگری که از نظام نیز انعکاس یافته، ساختاری کلی از روابط پیوسته و یکپارچه عقلانیت و سرعت در جهت هدفند (نبوی، ۱۳۷۵، ص ۱۴). لذا «فقه نظامات»، احکام را به صورت یک نظام می‌بیند؛ یعنی احکام این‌گونه نیستند که روی موضوعات منفصله جعل شده

باشند؛ بلکه یک مجموعه به هم پیوسته به شمار می‌آیند که یک کل یا نظام و پیوستار را ارائه می‌نمایند (میرباقری، ۱۳۹۱). اما در تعریف دیگر نظام، آمده است که «نظام، مرکب از اجزا و مؤلفه‌های گوناگون و متنوعی است که در عین تنوع با هم سازگاری دارند، همچنین نسبت به دیگر نظام‌ها، مرزبندی داشته و هدف و غایت مشخصی دارد که باید آن را محقق کند» (رشاد، ۱۳۹۹، ص. ۱۱).

جمع‌بندی از به‌کارگیری معنای «نظام» در مطالعات اسلامی

تعاریف مزبور نوعاً به «نظام مضاف» مرتبند تا «مطلق نظام یا نظام مطلق»، اما از آن جهت که در این آراء به ترابط میان عناصر مختلف ابعاد «نظام» اشاره شده، قابل پی‌جویی است. برخی تعاریف که ناظر به «مطلق نظام» هستند، بر عنصر پیوند، روابط و ساختار تأکید داشته، بلکه قائل به این‌همانی نظام و ساختار شده‌اند، هرچند به دلیل توجه به پویایی نظام، ساختار آن را منعطف قلمداد کرده‌اند. شایسته بیان است در تعریف «نظام»، ساحت‌های گوناگون «علمی/ذهنی و اجرایی/عملیاتی» آن، بایستی مدنظر قرار گیرند. چه، گاهی از مفاهیم تصویری «نظام» سخن به میان می‌آید و گاهی اکثر گفتگوها، پیرامون فرایند و سازوکارهای تحقق آن مفاهیم است. از این رو، آنچه مربوط به مفاهیم ذهنی/علمی است، تحت عنوان «نظام‌یابی» جای می‌گیرد. آنچه مربوط به روند پیاده‌سازی مفاهیم نظری است، در زیرمجموعه «نظام‌سازی» واقع می‌شود و آنچه مربوط به عالم واقع و جهان خارج است، به‌عنوان «نظام‌گذاری» یاد می‌شود (بابایی مجرد و حسین، ۱۳۹۵، ص. ۷۸-۶۹).

بُعد «نظام‌یابی»، با اتکا بر روش‌شناسی اجتهاد دینی (حسینی و علی‌پور، ۱۳۹۴، ص. ۸۳-۵۱) به صورت سیستمی با اهتمام بر کشف «نظام مسائل» و «نظام اولویت‌ها»، به چگونگی فهم از متون اسلامی، نظارت دارد. اما در بُعد «نظام‌سازی»، ظرف تحقق آن، نوعاً در ساحت ذهن پژوهشگر و به عرصه الگو و الگوسازی، قابل تصور است و بُعد «نظام‌گذاری» بر عینیت یافتن خرده نظام‌های اسلامی در ساحت اجتماعی، قابل بازجستن است. بی‌شک، متولیان حیطه اول و دوم (نظام‌یابی و نظام‌سازی)، برعهده نخبگان علمی و عالمان دین‌شناس خواهد بود؛ اما قلمرو سوم (نظام‌گذاری) برعهده متولیان اجرایی است. به عبارتی، رسالت اصلی محققان و عالمان دینی، صرفاً به ابعاد اول و دوم ارتباط می‌یابد. بدان معنا که «بنیان‌های نظری و پیش‌فرض‌های علمی» را از «منابع معتبر معرفتی» کشف کنند و در همین راستا آن‌ها را با اتخاذ روش‌هایی فراگیر به الگویی

جامع و قابل پیاده‌سازی، «تبدیل» سازند^۱. اما این متولیان اجرایی مرتبط با قدرت و حکومت هستند که باید در مقام عینیت‌بخشی، آن الگوی علمی را پیاده و اجرایی کنند. لذ در هر سطحی از سطوح «خرده نظام‌های اسلامی»، هماهنگی میان حیطه‌های علمی و عملی توأمان، گریزناپذیر است.

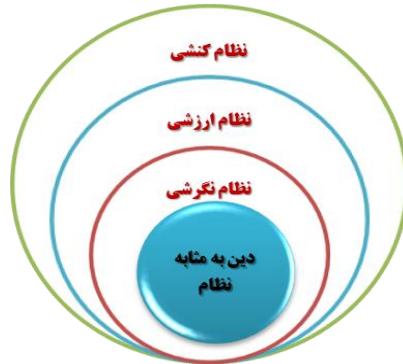
روش‌شناسی پژوهش

روش به‌کارگیری در این پژوهش، تحلیلی-توصیفی، مبتنی بر مراجعه و مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای (متون و منابع نوشتاری و الکترونیکی) در گردآوری داده‌های کیفی است. علاوه‌بر آن سعی شده تا از رهگذر الهام‌گیری از رویکرد اجتهاد سیستمی نیز، برای تجزیه داده‌های کیفی (شریفی، ۱۳۹۵، ص ص. ۶۱-۵۳)، استفاده شود. ضمناً فرایند نیل از پردازش داده‌ها به نتایج آن نیز، به صورت تحلیل و اجتهاد سیستمی (اسمعیلی و واسطی، ۱۳۹۴، ص ص. ۶۸-۶۶) انجام پذیرفته است.

یافته‌های پژوهش

معنای «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی

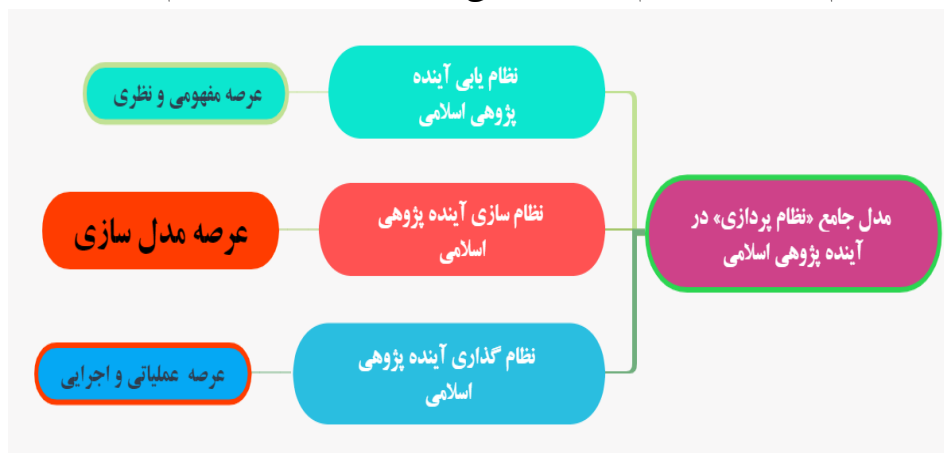
قید «پردازی» در «نظام» بدان معناست که گستره مطالعه در «آینده‌پژوهی اسلامی»، تمامی ساحت‌های مختلف «اندیشه‌ای»، «ارزشی» و «کنشی» را با هم در برمی‌گیرد. به‌عبارتی، سخن گفتن از کاربست «نظام‌پردازی»، گفتگو، مطالعه و پژوهش پیرامون روندها و ساحت‌های حاکم بر آینده‌پژوهی اسلامی است که در درون خود، از خرده‌نظام‌های متعددی سامان می‌یابد. این مطلب به‌خاطر ابعاد سه‌گانه «دین» است که نه‌تنها خود آن اساساً به‌مثابه یک «نظام» تلقی می‌شود، بلکه در درون خود، «خرده‌نظام‌هایی» را نظیر «نظام بینشی»، «نظام ارزشی» و «نظام کنشی» داراست.



۱. از دیگر رسالت‌های نخبگان دانشگاهی و عالمان دین‌شناس، «حُسن نظارت» بر چگونگی فرایند اجرایی آن است.

از همین رو، «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی را می‌توان ساختاری به‌هم‌پیوسته، منسجم، معقول و روش‌مند دانست که در درون خود، خرده‌نظام‌های متعددی را داراست و میان هر یک از اجزا و خرده‌نظام‌های آن، روابط ناگسستنی (به‌لحاظ مصداقی نه مفهومی) به‌منظور نیل به هدفی واحد، برقرار است. از همین رو، در مطالعات بینارشته‌ای با محوریت آموزه‌های اسلامی، خاصه برای دستیابی به نسخه «آینده‌پژوهی اسلامی»، اساساً بایستی سه قلمروی نظری و کاربردی یعنی «نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی»، «نظام‌سازی آینده‌پژوهی اسلامی» و «نظام‌گذاری آینده‌پژوهی اسلامی» را از یکدیگر جدا نماییم. بدان معنا که در لایه «اندیشه‌ای و ارزشی»، بایستی مبادی تصویری یا مبانی نظری آن موضوع یا مسئله، از منابع معرفت‌بخش دینی، کشف و «یافته» شود (نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی). آنگاه باید در مقام الگومایی با اتخاذ روش‌هایی فراگیر و سازوکارهای مشخص، الگویی جامع، «ساخته» و ارائه شود (نظام‌سازی آینده‌پژوهی اسلامی). درنهایت نیز، در مقام اجرا، به پیاده‌سازی و «گذاشتن» آن الگو پردازیم (نظام‌گذاری آینده‌پژوهی اسلامی).

از این رو، این سه کلیدواژه مهم، یعنی «یافتن»، «ساختن» و «گذاشتن» در فرایند «نظام‌پردازی آینده‌پژوهی اسلامی» از نمودی خاص جلوه‌گرند که در این پژوهش به‌تمامی این ابعاد درم‌تینده، از تعبیر «نظام‌پردازی» یاد کرده‌ایم. این الگوی جامع را می‌توان در شکل زیر ترسیم نمود.



با نظر به آنکه آینده‌پژوهی اسلامی، اساساً یک نگرش نوپا و پیشرو به‌شمار می‌آید؛ نه‌تنها حیطه دوم و سوم آن، «آینده‌گذاری» و «آینده‌سازی» اساساً تحقق نیافته است، بلکه حیطه نخست آن، یعنی عرصه مفهومی (آینده‌یابی اسلامی) نیز، با چالش‌های نظری و ابهامات علمی مواجه است.

ملاحظات معرفتی از «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی

هنگامی که از نگاه «سیستمی/نظام‌واره‌ای» در مطالعات بینارشته‌ای با محوریت آموزه‌های اسلامی، سخن به میان می‌آید، ناگزیر به چند نکته معرفتی بایستی توجه نمود:

۱. تمایز میان «نظام» با «سیستم و شبکه»: گرچه معادل سه واژه «نظام» با «سیستم و شبکه»، نوعاً به صورت هم‌آبی یا مواطاتی (این همانی)، به کار گرفته می‌شود؛ اما تمایزاتی به لحاظ پیکره مصداقی آن ساختار نیز، قابل تصور است. زیرا، وجه نسبت این دو مفهوم، از نوع رابطه عام و خاص مطلق (نه من وجه و نه تساوی) است. این مطلب بدان خاطر است که پدیده‌های «سیستمی یا شبکه‌ای»، نوعاً از سه اصل («اصل اجزاءداری»، «اصل ارتباطداری» و «اصل هدف‌داری») تشکیل یافته‌اند؛ اما در «نظام»، علاوه بر سه مؤلفه مزبور (یعنی اصل اجزاء، اصل پیوند و هدف‌داری)، مقوله «محورنمایی» نیز، در سراسر پیکره نظام، موضوعیت می‌یابد. به عبارت دقیق‌تر، در کاربست «نظام»، «محوری بنیادی» به مثابه «یگانه عامل اتصال درونی اجزای آن ساختار» است که باعث ایجاد برقراری ارتباطات داخلی و جهت‌نمایی تمامی حرکت اجزای آن منظومه می‌گردد؛ درحالی‌که شاهد فقدان این محور بنیادی، در تعاریف سیستم یا شبکه، هستیم.^۲ با این حال، گویی، در ساحت ساختار نظام و خرده‌نظام‌های اسلامی، یگانه رشته و بندی وجود دارد که موجبات ارتباط تمامی اجزای درونی گزاره‌های آن را با یکدیگر فراهم می‌نماید. ره‌آورد آن، ایجاد یک ساختار و شبکه زنجیره‌ای و سیستم معنارسانی مرتبط و درهم‌تنیده را تحت عنوان «نظام اسلامی» بنیان می‌نهند. لذا «نظام»، دربردارنده محوری کانونی است که علاوه بر محوریت و جهت‌نمایی تمامی اجزای نظام به

۱. بالغ بر ۳۰ تعریف در مورد «سیستم» ارائه شده (سادوسکی، ۱۳۶۱، ص.ص. ۱۳۳-۱۳۰) که در اصول بنیادین آن‌ها، تمایز چندانی ملاحظه نمی‌شود. با توجه به تعاریف مزبور، اصول بنیادین «سیستم» دارای سه رکن، متشکل از «اجزای گوناگون»، «ارتباطات اجزاء» و «هدف‌داری» است (رضائیان، ۱۳۹۱، ص. ۶۵). لذا هر واقعیت و پدیده‌ای که این سه شاخصه اصلی را با هم داشته باشد، می‌تواند به‌عنوان یک «سیستم» تلقی گردد. مانند «جهان هستی، بدن انسان، سازمان‌های اجتماعی».

۲. گفتنی است که واژه «شبکه» در شماری از منابع لغوی زبان عربی، به کار رفته است. با جستجو در دیدگاه لغت‌پژوهان نخستین زبان عربی، برای «شبکه»، نوعاً همان حیثیت «ارتباطی و تداخلی» میان اجزاء و افراد، مورد توجه بوده است (ازهری، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص. ۱۹؛ جوهری، ۱۴۰۴، ج ۴، ص. ۱۵۹۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص. ۲۴۲). مضاف بر آنکه تعریف ماهوی کاربست «شبکه» در آرای دانشمندان غربی نیز با مفهوم «سیستم» هم‌آواست (اسدی فرد، ۱۳۹۰، ص.ص. ۳۰-۲۱).

دور آن، کلیه پیکره آن ساختار را نیز، تحت الشعاع خود، قرار می‌دهد.^۱

۲. ارتباط وثیق «نظام» با «خرده‌نظام‌ها»: اصولاً در نگرش سیستمی، ارتباط ناگسستگی میان «نظام/سیستم» با «خرده‌نظام/خرده‌سیستم‌ها»^۳ وجود دارد که نقش مؤثری در فهم پدیده سیستمی ایفاء می‌کند. توضیح آنکه، به آن دسته از اجزای درونی یک سیستم کلان که عهده‌دار وظیفه واحد یا مشترکی هستند، یک «خرده‌نظام» می‌گویند. این اجزای «خرده‌نظام‌ها» در نسبت با ساختار کلی «نظام»، پیوندهای گوناگونی با یکدیگر برقرار می‌نمایند. شناسایی و تحلیل «خرده‌سیستم‌ها» به منزله اجزای تکوین یک «سیستم»، پایه و مایه تجزیه، ارزیابی و کنترل آن است. لذا، برای تحلیل تفصیلی و جامع سیستم‌ها، خاصه سیستم‌های باز و پیچیده (فرشاد، ۱۳۶۲، ص. ۶۸؛ رضائیان، ۱۳۹۱، ص. ۳۴-۴۵)، در گام نخست، بایستی آن‌ها را به «خرده‌سیستم‌ها»، تقسیم و تفکیک نمود (علی‌پور، مهرداد و نجفی، اسدالله، ۱۳۹۱، ص. ۲۷). هرکدام از این «خرده‌سیستم‌ها» معمولاً از چندین بخش کوچک‌تر، سامان یافته‌اند که با «کل پیکره سیستم» در ارتباطند. این در حالی است که هریک از آن‌ها نیز، با «زیربخش‌های» خود، به‌گونه‌ای دیگر در پیوندند. تمامی این ملاحظات از چگونگی نسبت‌سنجی و چگونگی ساختار پیوند «اجزاء» با «کل سیستم» به دست می‌آیند. به‌گونه‌ای که در میان این زیربخش‌ها و خرده‌نظام‌های اجتماعی، پیوندهای گوناگونی وجود دارد که در یک نگاه مجموعه‌ای، چارچوب کلی مکتب اسلامی را تشکیل می‌دهند. هیچ‌یک از این خرده‌نظام‌های اسلامی، به‌طور مجزا و بدون ارتباط با دیگر اجزا و نظام اجتماعی آن، قابل پیاده شدن نیست (واعظی، ۱۳۹۸، ص. ۲۶). مثلاً در «مکتب اسلام»، نمی‌توان بدون داشتن «نظام سیاسی اسلام»،

۱. این محور نظام که اساساً به‌مثابه پایه ساختار و معارف قرآنی - اسلامی، به‌شمار می‌آید، شناسایی «الله» تبارک و تعالی یا همان «معرفت توحیدی» است. زیرا این شاخصه جامع، علاوه بر اینکه، کانون اجتماع هندسه معنایی آموزه‌های اسلامی به‌شمار می‌آید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۰، ۱۳۵؛ ۱: ۶۲؛ ۴: ۱۰۹؛ ۵: ۲۰؛ ۱۰: ۱۳۶؛ ۱۲: ۱۰۵؛ ۱۵: ۲۱۱)، زمینه‌ساز ارتباط تمامی اجزای نظام اسلامی است که در پرتو آن، می‌توان به سایر خرده‌نظام‌های دیگر نیز، رهنمون شد. این محور جامع، هسته مرکزی مباحث و بن‌مایه معارف قرآنی را تشکیل می‌دهد که در چارچوب «نظام هدایتی آن»، طبعاً استخراج تمامی خرده‌نظام‌های اسلامی، امری دست‌یافتنی و پذیرفتنی است. بی‌شک، این محور اساسی نه تنها باعث کشف سایر خرده‌نظام‌های قرآن‌بنیان (نظیر هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصاد، تعلیم و تربیت، حقوق و عدالت، سیاست و مدیریت، خانواده و...) از رهگذر سمت‌وسویی «توحیدی» است، بلکه اساساً خرده‌نظام‌های اسلامی نیز، بر پایه و محور توحیدی بایستی طرح‌ریزی و ارائه شوند.

2. System

3. Sub System

«نظام اقتصادی» را به صورت مجزا و مستقل، اجرایی کرد یا بالعکس. زیرا «اقتصاد اسلامی»، در برنامه‌ها و جزئیات خود، مجموعه‌ای به هم پیوسته و درهم تنیده است (صدر، محمدباقر، ۱۳۷۰، ص ۳۵۴-۳۵۳) و از رهگذر برقراری ارتباط با سایر برنامه‌ها و زمینه‌ها، اساساً امکان تحقق دارد. بی‌شک، «آینده پژوهی اسلامی» هم که به مثابه قطعه‌ای از این پازل معرفتی اسلام به شمار می‌آید نیز، از این قاعده کلی مستثنا نیست.

۳. دو نگاه مکملی «جزء به کل» و «کل به جزء» در مواجهه با نظام: هر ساختاری که به مثابه نظام/سیستم، شناخته می‌شود، از دو زاویه، قابل تمایز است. اول) نگرش «جزء به کل»، بدان معنا که از طریق شناسایی اجزای یک مجموعه به شناخت پیکره آن ساختار، دست یابیم؛ زیرا به صرف شناسایی اجزا، شناخت کل به دست نمی‌آید؛ بلکه باید هریک از اجزاء (و خرده نظام‌های درونی) را از هم بازشناخت. این مطلب به خاطر ارتباط و قوام هریک از اجزای نظام با یکدیگر و بر یکدیگر است. چه، اگر در پدیده‌ای، فاقد «اجزایی» باشد، وجود «ارتباط و هدف»، اساساً بی‌معناست. زیرا تصور «نظام»، قطع نظر از اجزاء نه تنها ناممکن است، بلکه به مثابه «کلی»، جدا از «جزء»؛ و «جزئی» جدا از «کل» خواهد بود. در نتیجه، لازمه تکوین کل، التزام به وجود اجزای درونی آن است.

دوم) نگرش «کل به جزء» بدان معنا که از طریق شناسایی پیکره و ساختار کلی یک مجموعه‌ای، اجزای آن را مورد بازشناسی قرار دهیم. وجه تمایز دو نگاه مزبور، نگرش از درون و بیرون به یک مجموعه و ساختار است. در نگرش نخست (جزء به کل)، اجزای یک مجموعه، به صورت متجزی و انفرادی، مشاهده می‌شوند که چه بسا، مناسبات و ارتباطات اجزای متکثر و پراکنده آن ساختار، آن گونه که شایسته است، به دست نیاید. اما در رویکرد ساختاری (کل به جزء)، سطح کیفی مطالعه از نگاره‌های جزئی، به مثابه یک کل انسجام یافته، ارتقاء و نگرسته می‌شود. در این رویکرد، چگونگی جزئیات و مناسبت‌های اجزای آن ساختار به خوبی طبقه بندی، منسجم، هماهنگ، روش مند، قابل فهم و پذیرش و تفسیر می‌شود. این مطلب از آن جهت است که ذهن انسان در بادی امر، توانایی دریافت و کشف اشکال متجزی و اجزای متکثر یک مجموعه را به دشواری درمی‌یابد، اما با اتخاذ رویکرد ساختاری، می‌توان به ساماندهی، تحلیل و دسته بندی محتویات و اجزای آن مجموعه نائل شد. لذا اتخاذ رویکرد ساختاری نه تنها با رویکرد جزء نگرانه، منافاتی ندارد بلکه از رهگذر همگرایی آن‌ها از حالتی مکملی و هم افزایی برخوردارند.

چرایی «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی

سخن گفتن از چرایی پرداختن به «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی از چند زاویه قابل بازجست است:

الف) جامعیت آموزه‌های اسلامی در تمامی مناسبات فردی، اجتماعی و حکمرانی: آنچه مسلم است، گزاره‌های اسلامی تمامی شئون زندگی انسان اعم از زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، جهانی، حکمرانی و آینده‌اندیشی را شامل می‌شود و برای هرکدام از عرصه‌های مزبور، برنامه، راهبرد و رهنمودهای علمی و عملی دارد. از این رو پرداختن به «نظام آینده‌پژوهی اسلامی» به‌عنوان یک ضرورت در شناخت دنیای امروز و مدیریت فردای جهان به‌شمار می‌رود. زیرا از درون شناسایی، برنامه‌ریزی و تحلیل سنجش احتمالی معادلات و دگرگونی‌های «امروز» دنیای اسلام است که واقعیت «فردا»ی آن را می‌توان پیش‌بینی، ارزیابی و متحقق نمود.

ب) پیوند وثیق آموزه‌های اسلامی با هم: اجزاء و بخش‌های مختلف گزاره‌های اسلامی، باهم پیوندی چندوجهی و ناگسستگی دارند که برای فهم و تحلیل گزاره‌های درونی آن، باید در پرتو یکدیگر، ملاحظه شوند. چه، مسائل فکری اسلام، به‌عنوان اجزای یک واحد و مجموعه به‌هم پیوسته به‌شمار می‌روند که هریک از آن عناصر و اجزاء با سایر بخش‌ها، باهم کاملاً درهم‌تنیده و به‌هم پیوسته است (خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۹، ص. ۳۱). لذا اتخاذ نگرش سیستمی - نظام‌واره‌ای به آموزه‌های اسلامی، نوع مواجهه آینده‌پژوهان مسلمان را با مسائل نوپدید هموار و روشن می‌کند.

ج) ضرورت کاربردی‌سازی آموزه‌های اسلامی در دنیای مدرن: از جمله انتظاراتی که آحاد مردم در جامعه امروز اسلامی و آینده جهانی، از گزاره‌های دینی دارند، فعال‌سازی، امکان پاسخ‌گویی و کاربردی نمودن آموزه‌های آن، در دنیای پیچیده امروز است. امری که به‌خاطر تخصص‌گرایی محض و بسنده کردن به یک‌رشته علمی، نوع مواجهه پژوهشگران را به‌سوی نگرشی سیستمی - نظام‌واره‌ای به آموزه‌های دینی سوق می‌دهد.

د) نظام‌واره بودن ساختار زبان قرآنی: در مطالعات میان‌رشته‌ای با محوریت آموزه‌های اسلامی، نقش قرآن کریم نسبت به سایر منابع معرفتی، از جایگاهی منحصربه‌فرد برخوردار است. این کتاب آسمانی که حاوی مجموعه‌ای فراگیر، از باورها (دانش‌ها و بینش‌ها)، اخلاقیات (ارزش‌ها و گرایش‌ها) و احکام (کنش‌ها و رفتارها) است، بایستی به‌صورت نظام‌واره‌ای دیده شود. این

مطلب زمانی از اهمیتی دوچندان برخوردار است که اساساً ساختار زبان متنی قرآن کریم به‌مثابه سیستمی پیچیده به‌شمار می‌رود که هریک از عناصر آن در پرتو ارتباط باهم، در کل سازمان‌یافته، قابل‌شناسایی و ارائه است (خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۹، ص. ۳۱).

ه) اهمیت شکل‌گیری خرده‌نظام‌ها در گفتمان نظام اسلامی: توجه به ابعاد «خرده‌نظام‌ها» یا «نظام‌سازی» که یکی از زیرشعبه‌های «نظام‌پردازی» به‌شمار می‌آید، از مطالبات و رهنمودهای همیشگی رهبری معظم انقلاب بوده است که به مناسبت‌های مختلف بر ضرورت شکل‌گیری آن، تأکید فراوان داشته‌اند. برای نمونه «حفظ انقلاب، دستاوردهایش و کسانی که به‌عنوان انقلابی در رأس خرده‌نظام‌های اجتماعی قرار می‌گیرند، در گروه نظام‌سازی است» یا در تعبیری دیگر معظم‌له می‌فرماید «نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند» (خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۲۶/۰۶/۱۳۹۰).

و) مرزگشایی ابعاد اندیشه‌ای و اجرایی آینده‌پژوهی اسلامی: به‌رغم آنکه برخی از آینده‌پژوهان مسلمان، در دهه گذشته، کوشش‌های فراوانی را در این زمینه مطالعاتی، داشته‌اند، اما مرزشناسی ابعاد «نظام‌پردازی» آینده‌پژوهی اسلامی، یعنی «نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی»، «نظام‌سازی آینده‌پژوهی اسلامی» و «نظام‌گذاری آینده‌پژوهی اسلامی» باعث ایجاد فضای روشنگرانه‌ای برای محققان علمی و عوامل اجرایی می‌گردد. چه، اگر نهادهای متولی، اعم از پژوهشگران دانشگاهی، نخبگان دینی و مدیران ارشد اجرایی به فکر برنامه‌ریزی مطلوب آینده نباشند، ناگزیر، طرف‌های مقابل، اتاق‌های فکری مستقلی را برای جهت‌دهی و تحقق مدیریت‌ها و سیاست‌گذاری کلان منطقه‌ای و جهانی، به‌سود خود رقم می‌زنند.

منابع معرفتی «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی

از بایستگی‌های نظری در تحقق «نظام‌پردازی اسلامی» در تمامی سطوح کشف و تحقق آن، بهره‌گیری از «منابع معرفت بخش دینی» است. به‌عبارتی، زمانی می‌توان از «نظام‌گذاری آینده‌پژوهی» سخن گفت که در گامی پیشین، الگوهای فراگیر و کارآمد را به‌منظور «نظام‌سازی آینده‌پژوهی» ارائه کرده باشیم. و زمانی نیز، می‌توان از «نظام‌سازی» سخن گفت که در گام پیش‌تر، بنیان‌های «نظام‌یابی» را از منابع معرفت بخشی دینی، کشف و استخراج نماییم. لذا به‌لحاظ منطقی و وجودی، «نظام‌یابی» مقدم بر «نظام‌سازی» و «نظام‌گذاری» مؤخر بر هر دوی آن‌هاست. در نتیجه،

از گفتگوهای بسیار مهم، در گفتمان درون دینی، اعتبار، کارکرد، نقش و سازوکار بهره‌گیری از «منابع معرفتی اسلام» است. از سویی دیگر، «منابع معرفتی»، پیوندی ناگسستنی با مباحث «معرفت‌شناسی» برقرار می‌نمایند. چه، سازوکار بهره‌جویی از این «منابع معرفتی» خواه‌ناخواه، دستاوردها و ابعاد ادراکی آینده‌پژوهان مسلمان را در راستای کشف و تحقق «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی، سازمان‌دهی می‌کنند. باین‌همه، پرداختن به تمامی سطوح نظام‌پردازی، مستلزم تحقیقاتی مستقل و خارج از عهده این مقاله است؛ اما آنچه به‌طور اجمال، در ساحت نخست آن، یعنی «نظام‌یابی» بایسته بیان است، در پژوهش‌هایی که به‌منظور کشف «نظام آینده‌پژوهی اسلامی» صورت می‌گیرد، بایستی تمامی منابع معتبر معرفتی را در کانون توجهات خود قرار دهند. لذا در ادامه به‌طور اختصار، به این منابع پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی «منابع معرفتی»

بازکاوی مفهومی «منابع معرفتی» در حوزه آینده‌پژوهی اسلامی از آن جهت دارای اهمیت است که ناهمگونی در استفاده از این منابع، موجب ارائه نظراتی یک‌سونگر و اختلافاتی در پیش‌فرض‌ها و محتوای گزاره‌های آینده‌پژوهی اسلامی می‌شود. زیرا، داده‌های علمی که از منابع معرفتی، گرفته شده‌اند، خواه‌ناخواه، پایه و مایه نظرات آینده‌پژوهان را شکل می‌دهد. ازاین‌رو، در ادامه به مفهوم‌شناسی آن‌ها می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی «منابع»

واژه «منبع» از ریشه «نبع» به‌معنای «بیرون آمدن آب از سرچشمه گفته می‌شود» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص. ۱۶۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص. ۳۴۵). به‌عبارتی، به آن «مکان، محل و موقعیتی» که آب از آن فرومی‌ریزد، «منبع» گفته می‌شود. این مطلب هم می‌تواند در امور محسوس و طبیعی رخ دهد؛ و هم می‌تواند در امور معنوی، فراحسی و عقلی نیز، توسعه یابد. اما دانشمندان مسلمان، از «منابع معرفتی» با تعابیر گوناگونی چون «علل پیدایش معرفت»، «متعلق علم» (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص. ۳۲۰) یا «راه‌ها و ابزارهای معرفت» (حسین‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۲) یاد کرده‌اند. باین‌همه، به‌نظر می‌رسد که واژه «منبع»، مشترک لفظی است و دست‌کم به دو معنا به‌کار می‌رود: یکم) منبع به‌معنای «متعلق معرفت»؛ همچون تاریخ (نقل)، طبیعت (هستی)، انسان، علم و فناوری و جامعه.

دوم) منبع به‌معنای قوای ادراکی یا راه‌ها و ابزارهای معرفت؛ که از طریق آن‌ها به تاریخ، هستی، آفریدگار، آفریده‌ها، انسان، جهان و مانند آن‌ها معرفت می‌یابیم.

با این همه، منظور از منبع بودن در این پژوهش به معنای اول است. بدان معنا که برای کشف ساحت نخست «نظام‌پردازی» یعنی «نظام‌یابی در آینده‌پژوهی اسلامی»، از کدام‌یک از منابع معرفتی، می‌توان و یا بایستی بهره جست. این مطلب، دست‌کم دو نکته مهم در مورد چگونگی بهره‌گیری از «منابع معرفتی اسلام» را خاطر نشان می‌کند:

یکم) منابع معرفتی اسلام، متعدد و دارای مراتب، ارزش و اعتباری جداگانه‌ای هستند و هریک نسبت به دیگری ترتب (تقدیم و تأخیر) دارند.

دوم) دستیابی به نظریه‌ای کاملاً اسلامی، نیازمند بهره‌گیری از تمامی منابع معتبر است و نگاه تک بُعدی به آن‌ها، موجب نارسایی در ارائه نظام آینده‌پژوهی اسلامی می‌گردد.

این مطلب بدان معناست که آینده‌پژوهان مسلمان، در ضمن توجه به چگونگی «اعتبارسنجی» هریک از این منابع، باید سازوکارهای بهره‌گیری از آن‌ها را به لحاظ تقدّم و تأخر نیز، مدنظر خود قرار دهند. زیرا، هرچقدر آینده‌پژوهان مسلمان از منابع معتبری، بهره‌گیری کنند، نه تنها موجب «پذیرش، فراگیری، جامع‌نگری» می‌شود، بلکه احتمال انطباق آن با واقع و انتساب آن با مقصود خدای رحمان نیز بیش از پیش فراهم می‌گردد.

مفهوم شناسی «معرفت»

«معرفت»، از مفاهیم بدیهی است و نیاز به تعریف ندارد.^۱ معادل واژه «معرفت»، در زبان فارسی «شناخت» و در زبان انگلیسی به معنای «Epistem» است.^۲ این واژه بدان معناست که انسان چگونه می‌تواند به اشیاء و امور پیرامون خود آگاهی و ادراک پیدا کند. کاریست «معرفت» به معنای مطلق علم و آگاهی و هر دانسته و آگاهی، شناسایی و ادراک، اعم از نوع «حسی و فراحسی»؛ «مستقیم و غیرمستقیم»؛ «مادی و فرامادی»؛ «باواسطه یا بی‌واسطه»؛ «درجه نخست و درجه دوم» را در برمی‌گیرد (حسین‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۲۱) در مقاله حاضر، «منابع معرفتی اسلام» به مجموعه‌ای از

۱. تعاریفی هم که در تعریف شناخت گفته‌اند، تعریف حقیقی نبوده بلکه «تعریف تنبیهی» است. یعنی مطلبی که در ذهن مخاطب موجود است اما مورد تنبه و توجه او نیست. لذا با الفاظ مشابه و کلمات معادل، آن معنایی که در فضای ذهن مخاطبان است را برجسته نشان می‌دهند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۷).

۲. گرچه میان دو واژه معرفت «Episteme» و علم «Knowledge» در زبان انگلیسی، اختلاف نظرهایی وجود دارد، بدان معنا که اولی در موارد کلی و آگاهی یافتن از پدیده یا امری خارجی به صورت کلی است؛ اما دومی، نوعاً آگاهی یافتن در موارد جزئی به کار گرفته می‌شود (Runes, The Dictionary of Philosophy, p p. 94-95).

«گزاره‌های زیرساختی یا معرفت‌زا» گفته می‌شود که اساساً پایه‌های شکل‌گیری نظام‌پردازی در آینده‌پژوهی اسلامی تلقی می‌شوند.

انواع منابع معرفتی «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی

با توجه به آنکه آینده‌پژوهی رایج، اساساً برپایه پیش‌فرض‌ها و اندیشه‌های سکولار بنا شده است؛^۱ منابعی که مورد استفاده قرار می‌گیرند نوعاً برپایه مفروضات حسی و تجربی است (برای اطلاع از ارزیابی این پیش‌فرض‌ها، رک: احمدیان، مهدی و ذوالفقارزاده، محمدمهدی، ۱۳۹۸، ص ۵۷-۶۵). اما هنگامی که پیرامون «نظام آینده‌پژوهی اسلامی» سخن گفته می‌شود، استفاده از گزاره‌های تجربی، صرفاً یک سطح از سطوح منابع معرفتی به‌شمار می‌آید. باین‌همه، هنگام سخن گفتن از بهره‌گیری منابع معرفتی «نظام‌پردازی»، مقصود ساحت نخست و دوم آن یعنی «نظام‌یابی» و «نظام‌سازی» است. طبعاً بعدِ سوم آن، یعنی «نظام‌گذاری» نیز، برعهده نیروهای اجرایی است. لذا به‌صورت مختصر به این منابع معرفتی اشاره می‌شود.

بهره‌جویی از منابع نقلی (قرآن و سنت معصومان (علیهم‌السلام))

ازجمله منابع معرفتی در منظومه معرفتی اسلام، بهره‌گیری از «نقل موثق» یا «گزاره‌های نقلی معتبر» است. به‌عبارتی، گام نخست برای اعتباربخشی به ابعاد «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی، بهره‌گیری از «منابع نقلی»، یعنی آموزه‌های قرآنی و حدیثی است (حسین‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۰۷). بی‌تردید، «قرآن کریم» علاوه بر اینکه جایگاه منحصربه‌فردی در منظومه و منابع معرفتی اسلامی برعهده دارد، موثق‌ترین منبع معرفتی نیز، به‌شمار می‌آید که اساساً سایر منابع معرفتی دینی، بر پایه آن شکل می‌گیرند.^۲ این مطلب بدان خاطر است که داده‌های نقلی، اساساً دو رکن اساسی «سند و متن» دارند و هریک نسبت به دیگری از اعتباری متمایز برخوردار است. به‌طورکلی، این داده‌های نقلی را می‌توان در چند دسته کلی به‌شرح زیر خلاصه نمود:

دسته یکم) پاره‌ای از داده‌های نقلی، به‌لحاظ سند و دلالت «قطعی» هستند؛ همچون بسیاری از آیات قرآنی.^۳ به این معناست که در صدور سندی و متنی آن‌ها، هیچ‌گونه شک و تردیدی وجود

1. Bell, Foundations of Futures Studies, p.5.

۲. بایسته بیان است که قرآن کریم به‌لحاظ سندی دارای سند و متنی، قاطع و تردیدناپذیر و به‌اصطلاح اهل‌فن، در شمار «متواترات» است (حسین‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۴۵) و هیچ‌گونه تحریف و دستبرد در آن صورت نگرفته است.

۳. آیات قرآن به‌لحاظ سند یقینی‌اند، خواه براساس آموزه تحدی و خواه براساس تواتر. برحسب هر دو راه، اصالت

ندارد.

دسته دوم) پاره‌ای دیگر از داده‌های نقلی، به‌لحاظ سندی، «قطع‌آور» هستند؛ اما به‌لحاظ متن (دلالت)، «ظاهر و ظنی‌اند» و نیازمند ارجاع آن‌ها به محک‌مات و قطعیات است. مانند «برخی از آیات قرآنی» که انگاره‌های متشابهات دارند.

دسته سوم) شماری دیگر از گزاره‌های نقلی، به‌لحاظ «سندی» قطعی‌اند اما به‌لحاظ «متنی/دلالت»، ظاهر و ظنی‌اند. تقریباً ۵٪ احادیث مجامع فریقین، صرفاً این‌گونه هستند.

دسته چهارم) تعداد زیادی از داده‌های نقلی (حدیثی)، به‌لحاظ سند و متنی، ظاهر و ظنی‌اند و حدوداً بیش از ۹۵٪ احادیث مجامع فریقین را دربر می‌گیرد که نیازمند جمع‌آوری قرائن معرفت‌زا و روش‌افزایی است که در مجموع بتواند اعتمادآفرین باشد.

دسته پنجم) البته متونی را می‌توان یافت که به‌لحاظ سند و دلالت، وهمی‌اند و مفید احتمالی فراتر از احتمال وهمی نیستند.

این مطلب بدان معناست که ارزش هر یک از گزاره‌های نقلی (قرآن، حدیث و تاریخ) یکسان نیست؛ بلکه متناسب با جنبه‌های سندی و متنی، دارای اعتبار و کارکردی متمایز از یکدیگر می‌شوند. باین‌همه، در مقام «نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی» علاوه بر قرار دادن قرآن کریم به‌عنوان اصلی‌ترین منبع نقلی معرفت^۱، بایستی با چشمی دیگر نیز، به آموزه‌های روایی در منابع حدیثی

سند و متن آن‌ها قطعی و تردیدناپذیر است.

۱. گفتنی است که در مواجهه با قرآن کریم بایستی به چند نکته نیز، امعان نظر داشت: یکم) دیدگاه قرآن کریم، با نگرشی جزئی و تک‌بعدی به‌دست نمی‌آید بلکه نیازمند تفسیر موضوعی است، نه تفسیر ترتیبی (رک: عالی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۳۷-۴۳). دوم. میزان استفاده آینده‌پژوهان مسلمان از آیات قرآنی، نیازمند تصویری مناسب با شکل و ساختار درونی و تنظیم آیات و سوره‌های آن است. سوم) به‌رغم آنکه همه فرقه‌های اسلامی، اتفاق نظر دارند که در قرآن کریم، هیچ‌گونه تحریف و دست‌برد صورت نگرفته اما در تفسیر پاره‌ای از آیه‌ها، با یکدیگر اختلاف نظر دارند و هر مذهبی براساس پیش‌فرض‌های خود، آن را توجیه و تاویل می‌کند. چهارم) قرآن کریم، به‌لحاظ دلالت‌های متنی، دارای عناصری چون «محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید و عام و خاص» است که برای تمییز و چگونگی تحلیل هر یک از آن‌ها، باید ابزارهای دانش علوم قرآنی و فهم کلام و حیانی را داشت. پنجم) به‌رغم آنکه چارچوب‌ها و معیارهای کلی، در قرآن کریم بیان شده، ولی همه جزئیات و تفصیلات آموزه‌های دینی، در آن بازگو نشده است. ششم) برای رسیدن به درکی درست، تفصیلی و جامع، پیرامون فهم اراده خدای رحمان، رجوع به «سنت» امری اجتناب‌ناپذیر است.

فریقین (صرف نظر از تعصبات مذهبی و ملاحظات روش‌شناسی فقه الحدیثی) نگریت و بدان‌ها مراجعه نمود.^۱ لذا به‌کارگیری «ادله بینا فرقه‌ای» یا «ادله بین‌الاذهانی» از سوی آینده‌پژوهان سنی و شیعی، به‌منظور دریافت دیدگاه قطعی اسلام، ضرورتی انکارناپذیر است.

بهره‌گیری از گزاره‌های عقلی - اجتهادی

از مباحث بسیار مهم و وجوه متمایز منبع‌شناختی و نظریه‌پردازی در «نظام آینده‌پژوهی اسلامی»، چگونگی به‌کارگیری از «داده‌های عقلی» و یا «نیروی اجتهادی» است. افزون بر برداشت‌هایی که معطوف به آیات قرآنی است (طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۲۴۸)، پیشوایان معصوم نیز، در تعبیر متنوعی بر به‌کار بستن «نیروی تعقل» به‌منظور دستیابی به گزاره‌ای اسلامی، تأکید کرده‌اند (خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، ۱۴۲۶، ص. ۷۰). این مطلب که از آن به‌عنوان «نیروی اجتهاد» یاد می‌شود «عَلَيْنَا إِذَا لِقَاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَ عَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص. ۶۲)، نه تنها به اجتهاد در تمام رشته‌های علوم اسلامی مانند فقه و اصول و حقوق مرتبط است، بلکه توسعه آن در مطالعات «میان‌رشته‌ای» و «علوم انسانی اسلامی» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص. ۷۹) خاصه «آینده‌پژوهی اسلامی» نیز، ضرورتی انکارناپذیر است. اساساً لازمه اجتهاد، توانایی عقلی روش‌شناسانه، نسبت به گزاره‌ها، مفاهیم، مسائل نوپدید اجتماعی و بازکاوی فرع فروع و ارجاع آن به اصول و محکّمات مکتب اسلام است (خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، ۱۴۲۶، ص. ۱۲-۹).

توضیح آنکه معنای «اجتهاد» به‌معنای آن است که مجتهد، تمام توان خود را در راه به‌دست

۱. این مطلب از آن‌جهت است که در شناخت «منابع حدیثی»، میان اهل تشیع و اهل تسنن، یک منبع ثابت و واحد - همانند قرآن کریم - وجود ندارد. امامیه برخی از منابع حدیثی «الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار و بصائرالدرجات و المحاسن» را دارای اعتبار می‌داند (معارف، ۱۳۹۵، ص. ۴۵-۱۲۰) و اهل تسنن نیز، برخی دیگر از منابع حدیثی مانند «صحاح سته» را معتبر می‌دانند (همو، ۱۳۹۴، ص. ۷۴-۲۵) آنچه در این میان نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کند بهره‌گیری آینده‌پژوهان مسلمان، از منابع هریک به‌منظور کشف نظریه و نظام آینده‌پژوهی اسلامی است. گفتنی است که برخی از فقیهان برجسته امامیه در دوران معاصر، مانند آیه‌الله العظمی بروجردی، در فرایند استنباط حکم فقهی، احادیث امامیه را اساساً در حاشیه منابع روایات اهل تسنن می‌دانند و برای استنباط حکم فقهی رجوع به منابع حدیثی اهل تسنن را ضروری برمی‌شمارند. طبعاً این مطلب، به‌معنای ارزش‌گذاری و اعتبار نهادن و اصالت‌بخشی به‌تمامی منابع روایی اهل تسنن نیست بلکه به‌خاطر ملاحظه علمی، تاریخی، سیاسی - اجتماعی است که شیعه درگذر زمان، نوعاً با آن مواجهه بوده است.

آوردن حکم دینی، به کار بندد. یعنی پژوهش، سنجش و ارزیابی، استدلال و اکتشاف گزاره‌های دینی از رهگذر تعقل برمبنای دو منبع کتاب (قرآن) و سنت (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۶). به عبارتی، مجتهد بایستی مثل صنعتگری ماهر، بداند از مجموعه موادی که پیش روی او ریخته شده است، چه ماده‌ای را انتخاب کند، مهارت و استعداد داشته باشد، باید قدرت تشخیص درست و نادرست در او باشد و به هر حال، باید آن قدر معلومات داشته باشد که صلاحیت و تخصص فنی آن کار را پیدا کند (مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۸-۱۶۷). این مطلب از آن روست که «حکم عقلی»، موجب وصول به «حکم دینی» می‌شود؛ به گونه‌ای که از علم به «حکم عقلی»، علم به «حکم دینی»، به دست می‌آید (یوسفی مقدم، ۱۳۸۷، ص. ۸۴).

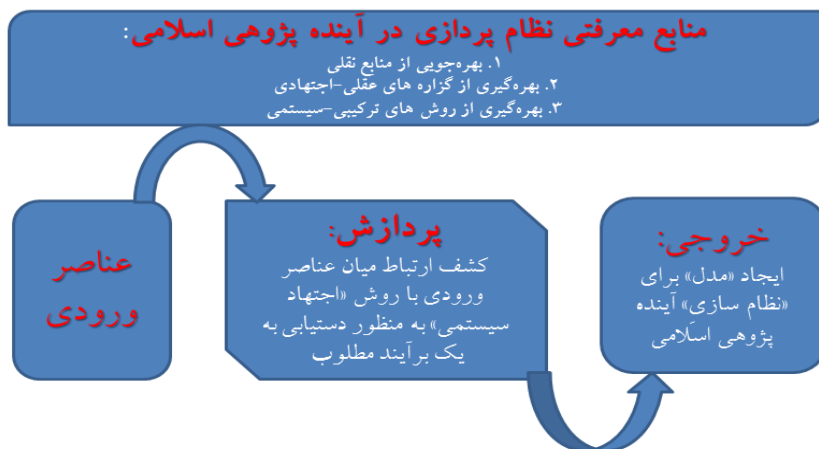
این مطلب خود بیانگر این نکته روش‌شناسی است که بهره‌گیری از اجتهاد دینی، برای دستیابی و انتساب دیدگاهی به «مکتب اسلام»، باید به صورت سیستمی و در طی گام‌های زیر، پیموده شود: «توانایی طرح مسئله و تبیین موضوع»، «جستجو در منابع و متون اسلامی: گردآوری داده متنی: آیات و روایات و قواعد فقهی و اصولی»، «اعتبارسنجی مستندات گردآوری شده: بررسی سندی و متنی و چگونگی ارزیابی آن با آیات قرآنی»، «فهم و تحلیل دقیق و عمیق داده‌ها براساس معیارهای معتبر»، «تحلیل (نقد) داده‌ها براساس دلالت: تحلیل داده‌ها براساس سازگاری درونی و بیرونی»؛ «عرضه بر ضوابط اسلامی حاکم بر قلمرو مربوط»؛ «عرضه بر قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی»؛ «عرضه بر مقاصد و غایات زیست انسانی» (شریفی، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۵-۱۹۸). تمامی این مراحل بدان معناست که آینده‌پژوه مسلمان برای ارائه و انتساب دیدگاهی به «آینده‌پژوهی اسلامی»، باید در گام نخست، تصویری صحیح و جامع نسبت به مراحل اجتهاد در منابع معرفتی اسلام و مطالعات علوم انسانی داشته باشد.

بهره‌گیری از فناوری دینی به صورت سیستمی

هرچند گفتگوهای روشی و چگونگی پیوند آن با فناوری دینی (تقوی، ۱۳۹۱؛ پایا، ۱۳۹۱، ص. ۸)، از جمله مباحث نوپدید آینده‌پژوهی اسلامی، به شمار می‌آید (پدرام و عیوضی، ۱۳۹۵، ص. ۶۷-۵۲)، اما به هر حال، در مقام «نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی» بایستی از تمامی امکانات و ظرفیت‌های روشی، فناوری و ابزاری به صورت سیستمی، بهره‌گیری نمود. بی‌شک، بهره‌جویی از تمامی روش‌ها و فناوری‌های نوین به صورت سیستمی، در جهت کشف نظر خدای رحمان و در پاسخ به نیازهای خرد و کلان جامعه و تولید الگوها و سیستم‌های مورد نیاز انسان‌ها است

(واسطی، گلکار، ۱۳۹۶، ص. ۶۶). برابند التزام به نگاه سیستمی به روش و فناوری، منجر به خروجی الگوهای کلان، پیرامون حلقه دوم «نظام‌پردازی» یعنی «نظام‌سازی آینده‌پژوهی اسلامی» می‌گردد.

بهره‌جویی از تمامی روش‌های «حسی» (اعم از تجربه حسی، شهودی و تجربی)، «عقلی» (اعم از عقل فلسفی و تفسیری و ابزاری)، «تاریخی» (اعم از نقلی و اخباری) (شریفی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷) و فناوری‌های مدرن دینی (تقوی، ۱۳۹۱)، برای کشف «نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی» بایستی به فراخور کشف «نظام مسائل» و «نظام اولویت‌ها»، نیازهای زمان و روندهای حاکم بر جامعه مدنظر باشد. بایسته بیان است که سخن گفتن از به‌کارگیری روش‌های معتبر و فناوری‌های نوین به‌صورت سیستمی در مقام توصیفی و یا توصیه‌ای به امکان تحقق آنهاست (نه اصل بالفعل و متحقق بودن آنها). در نتیجه، برابند نگاه سیستمی به‌کارگیری روش‌ها و فناوری‌های دینی، موجب تولید الگوهای فراگیر به‌منظور «نظام‌سازی آینده‌پژوهی اسلامی» است که در روابط بین‌گزاره‌های مربوط به یک موضوع در قالب «ورودی، پردازش و خروجی» صورت می‌پذیرد. به‌عبارتی، از طریق منابع معرفتی، گزاره‌ها و داده‌های اولیه، از رهگذر دستگاه شناخت-ادراکی، به فضای ذهنی آینده‌پژوه، منتقل و «وارد» می‌گردد. سپس این داده‌ها، با اصول و مبانی بنیادین مکتبی و عقل نظری، مورد ترکیب و «پردازش» قرار می‌گیرند. سپس براساس صورت‌های منطقی، داده‌های مزبور، تنقیح و تنظیم می‌شوند و در مرحله پایانی نیز، راهبرد کلی و نتیجه نهایی از این فرایند در قالب استدلال و «الگوی نظام‌سازی آینده‌پژوهی» ارائه می‌گردد.



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه‌گیری

۱. به‌رغم آنکه مفهوم «نظام» به‌لحاظ تعریفی با مفاهیم مشابهی چون «سیستم» و «شبکه» اشتراکات معنایی دارد، اما به‌لحاظ مصداقی، دارای وجه‌تمایزی بنیادی است. نظام، به ساختاری گفته می‌شود که تمامی اجزای آن به‌صورت هوشمندانه و هدفمند به‌دنبال یک غایت خاصی هستند. لذا کاربست «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی، به معنای ساختاری به‌هم‌پیوسته، منسجم، معقول و روشمند و هدفمند است که در درون خود، از خرده‌نظام‌های متعددی سامان می‌یابد که میان هریک از آن‌ها، ارتباطی ناگسستنی به‌منظور نیل به هدفی واحد برقرار است.

۲. ابعاد «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی از ساحت متمایز به‌لحاظ مفهومی و مرتبط به‌لحاظ کاربردی، یعنی «نظام‌یابی»، «نظام‌سازی» و «نظام‌گذاری» تشکیل شده است. در ساحت نخست که نوعاً به مباحث مفهومی و نظری می‌پردازد، مبادی تصویری، بنیان‌های معرفتی، اصول، ارزش‌ها، قواعد و چارچوب‌های نظری ثابت و فراعصری اسلامی کشف می‌شود. اما ساحت دوم که مربوط به مباحث الگوسازی است، با الهام‌گیری از روش‌های فراگیر و سازوکارهای مشخص، الگویی جامع، ساخته و ارائه می‌شود؛ اما ساحت سوم، به چگونگی مقام اجرایی بازمی‌گردد که به‌دنبال عینیت‌بخشی الگوهای ساخته‌شده است.

۳. ساحت مختلف «نظام‌پردازی در آینده‌پژوهی اسلامی» هریک مترتب بر دیگری هستند. به‌عبارتی تا زمانی که ساحت نخست آن، یعنی نظام‌یابی، شکل نگیرد، سخن گفتن از نظام‌سازی آینده‌پژوهی معنا ندارد و تا زمانی نظام‌سازی ارائه نشود، پیاده‌سازی و نظام‌گذاری آینده‌پژوهی، اساساً ناممکن است. لذا برای کشف عرصه مفهومی و کاربردی ساختن عرصه‌های نظام‌پردازی اسلامی، نه تنها میان متولیان نظری و متولیان اجرایی تمایزاتی قابل بازجستن است، بلکه میان آن‌ها بایستی کاملاً اتفاق و هماهنگی باشد. لذا به‌رغم آنکه ساحت اول و دوم، برعهده نخبگان دانشگاهی و عالمان دین‌شناس است، اما ساحت سوم برعهده وابستگان به قدرت و حکومت می‌باشد.

۴. چگونگی بهره‌گیری از منابع معرفتی اسلامی، نقش بسیار مهمی در «نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی» برعهده دارد. به‌عبارتی، سازوکار بهره‌جویی از «منابع معرفتی» است که دستاوردها و ابعاد ادراکی آینده‌پژوهان مسلمان را در راستای کشف و تحقق «نظام‌پردازی» در آینده‌پژوهی اسلامی،

جهت‌دهی و سازمان‌دهی می‌کند. به نظر می‌رسد که انواع منابع معرفتی نظام‌یابی آینده‌پژوهی اسلامی را بایستی در «بهره‌جویی از منابع نقلی»، «بهره‌جویی از گزاره‌های عقلی - اجتهادی» و «بهره‌گیری از فناوری دینی به صورت سیستمی» بازجست.

پیشنهاد

حرکت به‌سوی تولید دانش بومی، به‌ویژه دستیابی به نسخه «آینده‌پژوهی اسلامی» یک جریان پیوسته در دنیای امروز به‌شمار می‌آید. رسیدن به این آرمان دست‌یافتنی، علاوه بر آنکه زمان طولانی را می‌طلبد، نیازمند برنامه‌ریزی علمی و به‌کارگیری توأمان شبکه‌ای از نیروهای فکری و اجرایی باهم است. با این همه، برای اتصال حلقه‌های مفقوده میان رفع چالش‌های نظری و تحقق اجرایی این نسخه فاخر آینده‌پژوهی اسلامی، نه‌تنها شناسایی خلأها و چالش‌ها، الگوسازی‌ها، نظریه‌پردازی‌ها ارائه شود، بلکه بایستی در مقام عملیاتی و پیاده‌سازی، از تمامی متولیان مربوطه استمداد گرفت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور (۱۴۱۴ ق). معجم لسان العرب. بیروت، دار صدر.
- احمدیان، مهدی و ذوالفقارزاده، محمدمهدی (۱۳۹۸). درآمدی بر آینده‌اندیشی قرآنی: باورهای بنیادین، الگوهای رفتاری و رهنمودهای پژوهشی. دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). تهذیب اللغة. دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- اسدی‌فرد، رضا (۱۳۹۰). مدلی برای شکل‌گیری شبکه‌های پایدار همکاری علم و فناوری در ایران. دانشگاه علامه طباطبایی، رساله دکتری.
- اسماعیلی، مجید و واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۴). اجتهاد سیستمی، راهبرد کلان تولید الگوی اسلامی پیشرفت در افق آینده. سیاست متعالیه.
- افضلی، علیرضا و رضاییگی، رضا محمد (۱۳۹۹). سنت پژوهی: رویکردی نوین در آینده‌پژوهی با تأکید بر نظام سنت رزق. اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۴ (۱).
- بابایی مجرد، حسین (۱۳۹۵). موضوع‌شناسی تحقیقات نظام‌سازی قرآنی. شورای توسعه فرهنگ قرآنی، تهران.
- پایا، علی (۱۳۹۱). تکنولوژی دینی، چیستی و امکان تحقق. روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۷۳.
- پدرام، عبدالرحیم و عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۵). درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی. مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- تقوی، مصطفی (۱۳۹۱). دو سطح بدیل اندیشی برای تکنولوژی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۸ (۷۳).
- جدی، حسین (۱۴۰۰). رهیافتی بر ساختار زبان قرآنی به مثابه سیستم. پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال پنجاه و چهارم، ۳۶۵-۳۴۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). معرفت‌شناسی در قرآن. محقق: حمید پارسانیا، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه. محقق: رحیمیان، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ ق). صحاح اللغة. بیروت، داراللملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسنی، حمیدرضا و علی‌پور، مهدی (۱۳۹۴). پارادایم اجتهادی دانش دینی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسنی، حمیدرضا و علی‌پور، مهدی (۱۳۸۷). مدل‌شناسی: تحلیل مکانیزم اجتهاد به مثابه مدلی برای تولید علوم انسانی اسلامی. همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی.
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۹۴). منابع معرفت دینی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه).
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۹۴). منابع معرفت. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، قم.
- حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، علی (۱۳۹۹). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران، نشر ایمان جهادی.

- خزایی، حسین (۱۳۹۳). مبانی روش‌شناسی آینده‌پژوهی در قرآن. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، قزوین.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۶). گفتمان میان‌رشته‌ای دانش، (مبانی نظری، گونه‌شناسی و خط‌مشی‌هایی برای عمل در آموزش عالی). تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خمینی، روح‌الله (۱۴۲۶ ق). الاجتهاد و التقليد. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، تهران.
- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۹۹). فرایند نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر نظام سیاسی. *دو فصلنامه فقه و سیاست*، ۱ (۲).
- رضائیان، علی (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم. تهران، سمت.
- سادوسکی؛ پودین و بلاوبرگ (۱۳۶۱). نظریه سیستم‌ها: مسائل فلسفی و روش‌شناختی. ترجمه کیومرث پریانی، انتشارات تندر.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۵). روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی. انتشارات آفتاب توسعه.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۶). نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی. انتشارات آفتاب توسعه، تهران.
- صدر، محمدباقر (۱۳۷۰). اقتصاد ما یا بررسی‌هایی در مکتب اقتصادی اسلام. ترجمه محمدکاظم موسوی، بی‌جا.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم، جامعه مدرسین.
- عالی‌نژاد، صمد (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی از دیدگاه قرآن کریم. زمزم هدایت، قم.
- علی‌پور، مهرداد و نجفی، اسدالله (۱۳۹۱). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌ها. سیمین.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. قم، هجرت.
- فرشاد، مهدی (۱۳۶۲). نگرش سیستمی. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت، الکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار. تهران، انتشارات صدرا.
- معارف، مجید (۱۳۹۵). تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی. انتشارات کویر.
- معارف، مجید (۱۳۹۴). جوامع حدیثی اهل سنت. انتشارات سمت.
- میرباقری، محمدمهدی (۱۳۹۱). جلسات درس خارج فقه حکومتی. قم، سایت فرهنگستان علوم.
- نبوی، عباس (۱۳۷۵). فقه، زمان و نظام‌سازی. *نشریه کیهان اندیشه*، شماره ۶۷.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۱). نگرش سیستمی به دین. مؤسسه مطالعات راهبردی معارف اسلام، مشهد.
- واسطی، عبدالحمید و گلکار، محمد حسین (۱۳۹۸). فقه حکومتی، چیستی، چرایی و چگونگی (مبتنی بر نظریه اجتهاد سیستمی). شماره ۲۶، ۷۱-۴۹.
- واعظی، احمد (۱۳۹۸). رویکردهای فقهی، فقه فردی، فقه نظام‌های اجتماعی، فقه حکومتی. دانشگاه باقرالعلوم، قم.
- یوسفی مقدم، محمدصادق (۱۳۷۸). درآمدی بر اجتهاد از منظر قرآن. بوستان کتاب قم.

ب) منابع انگلیسی

- Bell, Wendell , Foundations of Futures Studies, New Jersey, 2003.
- Runes, Dagobert D. The Dictionary of Philosophy, New York, 2005.
- Bertalanffy, ludwig von, "general systems theory, Foundations, Development, Applications", George Braziller, New Yourk, 1994.

ج) منابع اینترنتی

- حسینی خامنه‌ای، علی (۱۳۹۰). بیانات رهبری معظم انقلاب در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی (۱۳۹۰/۰۶/۲۶)، قابل دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir>.
- حسینی خامنه‌ای، علی (۱۳۹۱). سخنان رهبری معظم انقلاب، در اجلاس جهانی استادان دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی (۱۳۹۱/۹/۲۱)، قابل دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir>.

